



۲۰۲۰/۰۳/۰۸

رادیوی آزادی - با تبصره م. نظام

قربان بیگم: هر روزیکه یک لقمه نان پیدا کنم برایم روز زن است

حوت ۱۸، ۱۳۹۸



شماری از زنان و کودکان بیجا شده

زنان از گروه های آسیب پذیر جامعه افغانستان شمرده می شوند. چهار دهه جنگ زندگی آن ها را به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

شماری از زنانی که در بدخشان در جنگ قربانی داده اند، در گوشه ای از شهر فیض آباد، مرکز این ولایت زندگی می کنند. آنها خواستار پایان جنگ و برقراری صلح هستند.

سهیلا در سوگ عزیزان از دست رفته اش اشک می ریزد. قامت خمیده و پیشانی چین و چرکش، حکایت از زندگی تلخ گذشته دارد. او پارسال به دلیل جنگ در ولسوالی یمگان، به شهر فیض آباد مهاجر شد، اما اخیراً شوهر، پسر و دامادش در جنگ کشته شدند.

سهیلا می گوید که روزگار تلخی دارد و از روز جهانی زن چیزی نمی داند: "شوهر دخترم را طالبان کشتند. دخترم با چند فرزندش بیوه شد. بعد از چند ماه دخترم دیوانه شد از بین رفت. پنج فرزندش با من ماندند. من چه کنم؟ وضعیت زندگی ما خراب است."

قربان بیگم زن پیری است که به دلیل فقر اقتصادی و روزگار خراب از ولسوالی اشکاشم به شهر فیض‌آباد مرکز ولایت بدخشان آمده است. قربان بیگم به رادیو آزادی می‌گوید که شش دختر و سه پسر دارد و شوهر موی سفیدش بیکار است.

قربان بیگم می‌گوید که به دلیل جنگ های خونین و فقر اقتصادی، خانه اش را ترک کرده و اکنون در گوشه ای از شهر فیض‌آباد لباس مردم را می‌شوید، نان آن ها را می‌پزد.

قربان بیگم در مورد هشتم مارچ، روز جهانی زن گفت که اصلاً در این مورد هیچ چیزی نمی‌داند.

او گفت: "روز ما وقتی است که یک لقمه نان پیدا کنیم."

با این حال، شماری از فعالان حقوق زن در ولایت بدخشان اگرچه از امضای توافق نامه میان امریکا و گروه طالبان استقبال می‌کنند، اما نگران از دست رفتن دستاورد های ۱۸ سال اخیر در زمینه حقوق زنان هستند.

آصفه و تهمینه، فعالان حقوق زن در بدخشان،

آصفه فعال حقوق زن گفت: "فکر نکنم که طالبان به تعهدات شان نسبت به پروسه صلح پایبند باشند. ممکن است تا چند ماه بعد از توافق با دولت جنگ نکنند، اما کسی ضمانت نمی‌تواند که طالبان با قوانین کشور ما خود را عیار بسازند."

تهمینه فعال دیگر حقوق زن است. او نیز نگرانی مشابه دارد: "چیزی را که من می‌خواهم آنها [طالبان] نمی‌پذیرند. بیرون از خانه شاید رفته نتوانم. شاید وظیفه رفته نتوانم. به سفر بدون محرم نمی‌توانم بروم. در حالی که فعلاً خودم بدون محرم به هر گوشه از ولایت می‌روم."

زنان بدخشانی که به دلیل فقر و ناامنی، خانه های خود را ترک کرده اند و به شهر فیض آباد زندگی می‌کنند آرزو دارند با آمدن صلح دائمی، دوباره در کنار خانواده به زندگی آرام و بی دغدغه جنگ و فقر بپردازند.

تبصره م. نظام: آنچه را در سطور مختصر بالا مشاهده نمودیم، در حقیقت مشتتست نمونه خروار که از هراس غلبه و یا کنترل طالبان بر مردم سر تاسر افغانستان و اجتماعات شهری و غیر شهری زنان افغان ریشه می‌گیرد که چندان بیجا هم نمی‌باشد. شکی نیست که دست آورد های ۱۸ سال اخیر و بلند رفتن سویه تعلیمی زنان امتیازات کار و فعالیت های وسیعی ای را در مناطق امن میسر گردانیده است که در پهلوی کار و عایدی که نصیب قشر اناث مملکت می‌گردد، سطح اقتصاد خانواده ها هم تغییراتی را نشان میدهد.

در مورد وعده های سر درگم و غیر مشهود طالبان در قسمت آزادی های فردی به اساس قانون، کار، تعلیم و خود کفایی و فعالیت های زنان، هیچ حدود و روشنی ای موجود نیست که همین مشت بسته، با سابقه این کتله عقب گرا و زن ستیز در مملکت، خود موجبات هراس و ترس از آینده را دامن میزند.

جنگ های متمادی و حملات بیدریغ بر مردم سرتاسر افغانستان کتله ها و جمیعت های زیادی را بیخانه و کاشانه نموده و وادار به کوچ و فرار نموده است، درحالیکه کدام امید و یا روشنی ای برای آینده آن خانواده های بی بضاعت و آواره موجود نبوده است.

از جانب دیگر، در احوال بی ثباتی سیاسی که عبدالله و گروه طماع قدرت وی در مملکت بوجود آورده است، البته از اتحاد و همکاری مردم برای آمادگی اجتماعی به مقابل بلای نافرجام هجوم طالبان، خیلی ها کاسته می‌گردد و در یک فضای تاریک شب و روز ملت دردمند و مظلوم افغانستان، با نا امیدی سپری می‌گردد. افسوس!